

بررسی جایگاه بیوتات روایی در رجال بحرالعلوم

* سید علی اکبر ریبع نتاج
** حلیمه یداللهی کرسیکلا

◀ چکیده:

بحث درباره خاندان‌های رجالی و روایی از نکات مهم در حوزه علم رجال است؛ بیوتاتی که همواره در نشر و انتقال احادیث و مبانی دینی بیشترین تأثیر را داشتند. به همین سبب، در طول تاریخ علم رجال برعی از محققان آن چون نجاشی، بخشی از فعالیت خود را به بررسی آنان اختصاص دادند. در میان این دانشمندان رجالی، سید بحرالعلوم با بررسی مهم‌ترین این خاندان‌ها در قسمتی از کتاب رجالی‌اش، به گونه‌ای به اهمیت بحث اشاره کرده و سعی در ایجاد نسبت این بیوتات با علم رجال دارد.

با توجه به اهمیت بحث بیوتات و خاندان‌های رجالی، نگارنده‌گان این مقاله ضمن ارائه تعریف لغوی از بیت و روش تراجم بیوتات و خاندان‌ها، روش سید بحرالعلوم در بیوتات‌نویسی را بررسی کرده و با مطالعه خاندان‌های روایی موجود در الرجال آن بزرگوار، سعی در روشن شدن نسبت و ارتباط این بیوتات با علم رجال دارد. به عبارت دیگر، به دنبال این است تا مشخص شود علامه بحرالعلوم در این بخش از کار رجالی‌اش، چه تعداد ارتباط رجالی را شکل داده است.

◀ کلیدواژه‌ها: بیوتات، بحرالعلوم، رجال، تراجم، الفوائد الرجالیه.

* دانشیار دانشگاه مازندران / sm.rabinataj@gmail.com

** کارشناس ارشد دانشگاه مازندران / h.yadollahi88@yahoo.com

مقدمه

سید محمدمهری طباطبایی بروجردی، ملقب به سید بحرالعلوم، از دانشمندان برجسته دنیای اسلام است که همواره نظریات او در زمینهٔ فقه و حدیث، باعث توجه دیگر علمای دین است.

تبحر او در علوم مختلف که نشان از بلوغ علمی-معظم‌له- دارد، منجر به تألفات متعددی شد که از آن میان، کتاب رجال الفوائد الرجالیه دربارهٔ علم رجال به سبب دارا بودن ویژگی‌های بین‌نظیر، جایگاه عظیمی بین دانشیان رجالی پیدا کرده است. از خصوصیات بارز این اثر، بهره‌گیری علامه بحرالعلوم از روش تراجم بیوتات و خاندان‌ها در نگارش بخش اول کتاب است. بدین ترتیب که ایشان این بخش از کتابشان را به یکی از شاخه‌های علم رجال یعنی بحث از بیوتات روایی اختصاص داده‌اند؛ امری که در میان متقدمان و متأخران این دانش به ندرت دیده می‌شود. سرانجام سید بحرالعلوم با کنار هم قرار دادن 28 بیت از خاندان‌های مهم رجالی، مجموعه‌ای منسجم از بیوتات روایی را شکل داد.

به نظر می‌رسد علامه بحرالعلوم با بررسی این بیوتات، سبکی رجالی را در حوزهٔ این علم مطرح کردند؛ بنابراین، با توجه به اهمیت بحث، نگارندگان مقاله سعی دارند به این سؤالات پاسخ دهند:

علامه بحرالعلوم چه ارتباطی را بین این بیوتات روایی و علم رجال ایجاد کرده است؟ به عبارت دیگر، جایگاه بیوتات روایی در کتاب رجال او چگونه است؟

تعریف بیت و محدوده آن

منابع لغوی، جمع بیت را بیوت و ایات و نیز جمع این دو واژه را ابایت و بیوتات ذکر کردند. ایات برای شب به کار می‌رود، اما بیت در معنای جمعی بیوت و بیوتات دارای تعریفی دیگر است. بدین‌گونه که الیت: خانه، مسکن، منزل، خانه کعبه، فرش گستردنی خانه، گور، قبر و نیز بیوتات را بیشتر برای خانواده‌های نجیب‌زادگان و اشراف به کار می‌برند. (بندریگی، 1382، ص 161) این تعریف در بیشتر این مأخذ یکسان است. در مفردات نیز بیت به معنی منزل و مأوای انسان در شب است، زیرا «بیتوه» اقامت کردن در شب است و گاهی مطلق مسکن گفته می‌شود.

همچین می‌گوید: «مکان و محل هر چیزی را بیت آن چیز می‌گویند، چنان‌که آن رسول را «هل بیت» گفته‌اند. (اصفهانی، 1427ق، ص 151)

طبرسی ذیل آیه 125 سوره بقره می‌گوید: «بیت و منزل و مأوى، نظیر هماند و بیت شعر را بدان سبب بیت می‌گویند که حروف و کلام را جمع کرده است، مثل قریه که اهل محل را جمع کرده است.» (طبرسی، بی‌تا، ج 1، ص 334)

دهخدا در لغتنامه ذیل این واژه می‌گوید: «بیت یعنی خانه و این مأخذ از بیوت‌های است که به معنی شب گذرانیدن باشد، چون اکثر اوقات بیوتت در خانه می‌باشد؛ لهذا خانه را بیت می‌گویند. ایشان بیت را به معنای دودمان نیز آورده است.» (دهخدا، 1373، ص 5141)

از فحوای این سخنان به دست می‌آید که واژه بیت و جمع آن هم به معنای مکان است و هم افرادی که در آن مکان به سر می‌برند؛ بنابراین، به نظر می‌رسد واژه بیوتات روایی را که در منابع رجالی به کار رفته، بتوان عبارت از افرادی یا به قول دهخدا دودمانی دانست که در یک مکان جمع می‌شوند. نمونه بارز آن در بخش اول کتاب الرجال بحرالعلوم دیده می‌شود. چنان‌که وقتی گفته می‌شود بیت ابی رافع یا بیت آل اعین، اشاره دارد به افرادی که در یک مکان خاص به سر می‌برند. افراد این بیت دارای روابط نسبی و سببی می‌باشند؛ همان‌طور که در بررسی بیوتات رجالی کتاب سید بحرالعلوم دیده می‌شود.

ترجم بیوتات و خاندان‌ها و امتیازهای این شیوه

امروزه مراجعه به کتاب‌های رجالی که در بردارنده اطلاعات روایان احادیث هستند، بهترین روش برای شناخت آنان است. از ابتدای تألیف در این موضوع رجالیان، برای تعیین و شناخت روایان و نیز بیان میزان اعتبار، هریک به شیوه‌های مختلفی به تألیف پرداخته‌اند. (رحمان ستایش، 1385، ص 6) این تفاوت در شیوه نگارش باعث شد تا نوع اطلاعات موجود نیز متفاوت شود، به گونه‌ای که اهمیت این اطلاعات را در نظر مؤلف یادآوری کند. (حسینی جلالی، 1418ق، ص 67)

تاریخ علم رجال این تفاوت‌ها را در نگارش کتاب‌های رجالی خاطرنشان می‌کند. از همان ابتدا روش بعضی از اصحاب ائمه علیهم السلام در تألیف کتاب‌های رجالی با روش

برخی دیگر متفاوت بود. بعضی کتابی برای شمارش اصحاب پیامبر ﷺ که با امیر المؤمنین علیہ السلام در جنگ‌ها یش شرکت داشته و گروهی کتاب‌هایی را برای بیان مثالب و مناقب راویان حدیث تألیف کردند. عده‌ای نیز به نگارش کتابی برای بیان طبقهٔ معصوم تا اصحاب معصومان علیہم السلام از پیامبر ﷺ تا آخرین معصوم پرداختند. (ایرانی، 1417ق، ص 326)

به مرور زمان، کتاب‌های رجالی با شیوه‌های گوناگون به نگارش درآمدند که گاهی نویسنده‌گان آن‌ها فقط یک روش را در پیش می‌گیرند و گاهی دو یا سه و یا بیشتر از آن را اتخاذ می‌کنند. این اتخاذ بحسب هدف مؤلف و یا مبنای او در علم رجالی یا شیوهٔ ممارست او در این علم است. (السنده، 1426ق، ص 180) تألیف بر اساس تراجم بیوتات و خاندان‌ها از جمله این شیوه‌های رجالی است.

منابع رجالی مبتنی بر این شیوه در بردارندهٔ اطلاعات جامعی اعم از اسم و کنیهٔ افراد راوی، اشتراکات موجود و نیز موقعیت اشخاص و شرح حالی از این بیوتات رجالی است.

برخی می‌گویند که این روش رجالی با علم انساب مرتبط و یکی از ابواب رجالی است. چنان‌که گویند دخالت علم انساب در شناسایی هویت فردی از ضروریات اولیه است و هر چقدر فرد رجالی به این قبیل اطلاعات احاطه داشته باشد، در تشخیص مشترکات به واسطهٔ لقب یا کنیه یا محل سکونت و تاریخ مربوط به آن و مسائل دیگر آگاهتر خواهد بود. چنان‌که نجاشی به دلیل تسلط به این علم، در تشخیص مشترکات آگاهانه‌تر وارد پیدا می‌کند. (همان، ص 189)

به نظر آیت‌الله خویی مؤلفان بسیاری از کتاب‌های رجالی در تشخیص مختلط و غیرمختلط به انساب‌شان استناد می‌کنند و بسیاری علت نسب را نیز ذکر می‌کنند چه بسا نسب، نسب صریح است یا فرد به دلیل اختلاط با قبیله یا به سبب محل سکونت یا مجاورت یا نسبت یا به این دلیل که از موالی‌شان است، به آن مشهور باشد. (خویی، 1410ق، ج 1، ص 4)

به نظر می‌رسد از آنجا که علم انساب به تبارشناسی فرد، نسبت‌های خانوادگی، قومی، قبیله‌ای می‌پردازد و علمی است که از نسبت‌های مردم و قواعد کلی و جزئی

تبارشناسی بحث می‌کند (حاجی خلیفه، 1387ق، ج 1، ص 178) منشأ اثر مهمی در تشخیص این قبیل روایان است.

روش تراجم‌نگاری بیوتات و خاندان‌های روایی در کتاب‌های متعدد رجالی آمده است. همان‌طور که ابوغالب زراري رساله‌ای درباره آل زرارة بن أعين و بعضی دیگر درباره آل نجاشی و بعضی درباره نوبختی تألیف کردند و علامه بحرالعلوم نیز کتابش را در زمینه رجال بر این شیوه تدوین کرده است و برای بسیاری از بیوتات شیعه اصطلاحاً ترجمه و عنوانی ذکر کرده است. (السند، 1426ق، ص 199) ایشان در بخش اول از کتابش، 28 خاندان از خاندان‌های مهم روایی را با این شیوه بررسی کرده‌اند. این روش به دلیل تسلط روشن بر راوی از جهت تربیت خانوادگی و نیز مطالعه شخصیت فردی «راوی» و نیز از جهت جایی که در آن رشد کرده و خاستگاهی که در رشد و شکل‌گیری او مؤثر بود، ممتاز است. همچنین چون بسیاری از حالات و جوانب فردی «راوی» را بیان می‌کند، در مقابل روش‌های دیگر قرار دارد. (همان‌جا) به نظر می‌رسد منابع رجالی که بر این شیوه تألیف شده‌اند، امتیازات دیگری نیز دارند؛ از جمله:

1. روایان و محدثان یک خاندان روایی که در منابع رجالی به صورت پراکنده بوده‌اند، بر اساس این روش در یک جا جمع می‌شوند. بدین ترتیب، خاندان‌های روایی نیز در این شیوه رجالی در کنار هم قرار می‌گیرند.
2. با قرار گرفتن این بیوتات کنار هم و بررسی آنان، خانداها‌یی که بیشترین تأثیر را در نقل احادیث داشته، مشخص می‌شوند.
3. در شناخت این امر که خاندان روایی در زمان کدام ائمه حضور داشته و از چه کسانی روایت کرده‌اند و روایان آن چه کسانی هستند، اهمیت بهسزایی دارد. به عبارت دیگر، منشأ روایات یک بیت تا حدودی شناخته می‌شود. ارسال و امثال اینها هم شناخته می‌شود. به این ترتیب، مشکل بسیاری اسناد حل می‌شود.

روش‌شناسی بیوتات در رجال بحرالعلوم

از مهم‌ترین و کم نظری‌ترین منابع رجالی که توانسته است مهم‌ترین خاندان‌های روایی را در کنار هم قرار دهد، رجال سید بحرالعلوم است.

بررسی 28 خاندان مهم روایی، جلد اول کتاب را تشکیل می‌دهد که ایشان عموماً

یک روش ثابت را در معرفی خاندان‌هایی روایی برمی‌گزیند که به قرار ذیل است:

1. بعد از ذکر نام خاندان در عباراتی کوتاه اما گویا انتساب بیت مذکور را به شخص، شهر و قبیلهٔ خاص روشن می‌کند؛ حتی اگر آن خاندان از موالی عرب باشد، نیز ذکر می‌کند.

2. در مرحلهٔ دوم به ذکر افراد خاندان می‌پردازد که عموماً از روایان حضور ائمه علیهم السلام هستند.

3. در بررسی افراد خاندان، از بیان کلام رجالیان دیگر از جمله نجاشی، طوسی و کشی بهره می‌برد. در صورت لزوم از منابع اهل سنت چون التقریب نیز استفاده کرده است؛ برای مثال، ذیل خاندان ابن أبي الجعد درخور مشاهده است.

از نکات درخور توجه در این مرحله این است که وجه غالب اقدام علامه بحرالعلوم بر اساس شیوهٔ رجالی است، چنان‌که به هنگام بیان دیدگاه خویش در بسیاری مواقع تحت تأثیر اوست.

بررسی بیویات روایی در فوائد الرجالیه بحرالعلوم

گاهی در ترجمهٔ برخی از افراد خاندان روایی دیده می‌شود که آن خاندان مورد توثیق یا مدرج قرار می‌گیرند. چنان‌که نجاشی ذیل ترجمهٔ دو نفر از افراد آل ابی‌شعبه تمام خاندان را توثیق کرده است، زیرا به گفتهٔ او، آل ابی‌شعبه در کوفهٔ خاندانی معروف و شیعه بودند. (الخوبی، 1410ق، ج 1، ص 51 و ج 11، ص 77)

همچنین در منابع رجالی ملاحظه می‌شود که محقق رجالی انتساب راوی به یک خاندان را نشان از وثاقت او می‌داند، همان‌طور که وحید بهبهانی در مقدمهٔ *الفوائد الرجالیه* بر تعلیقهٔ منهج المقال استرآبادی گفته است: «بودن راوی از آل اعین و آل نعیم، آل ابی‌شعبه را نشانهٔ وثاقت راوی دانسته است.» (وحید بهبهانی، 1404ق، ج 1، ص 216)

صاحب *جواهر الكلام* نیز ذیل حدیثی که حمزه بن حمران در سنده آن وجود دارد، می‌گوید: «لو از آل نعیم الازدی است و آل نعیم خانواده‌ای برجسته در کوفه بوده و همه آن‌ها ثقات بوده‌اند.» (نجفی، 1398، ج 26، ص 26)

سؤال مطرح در اینجا چگونگی وجه ارتباط بیوتات روایی با علم رجال از نظر علامه بحرالعلوم است؟

آقای ربانی با بیان اینکه ذکر این بیوت و خانواده‌ها به منزله قاعدة کلی توثیق و تعدیل است؛ مثلاً وقتی ثابت شد فرزندان بر قی همه ثقه‌اند، این توثیق را به منزله قاعدة عامه است و هر کسی که متسب به بر قی باشد و در سلسله راویان حدیث واقع شود، چه با عنوان اسم یا چه با عنوان لقب، ثقه خواهد بود.(ربانی، 1382، ص 155)

بر این اساس، با بررسی بیوتات و دسته‌بندی آنان به خاندان‌های ممدوح و با بیان مستندات سید بحرالعلوم و تحلیل آن‌ها درباره هریک از خاندان‌ها به بعضی مسائل و شباهات پاسخ داده می‌شود.

1. خاندان‌های توثیق شده

به گفته شهید ثانی، واژه «ثقة» گرچه در ابواب فقه به مفهومی اعم از عدالت کاربرد دارد، در رجال و درایه صرفاً در معنای عدل «وصف راوي» به کار می‌رود.(شهید ثانی، 1413ق، ص 203) عالمان رجالی از معنای ثقه، مفهوم لغوی آن را که اعتماد است، اراده کرده‌اند.

همچنین عده‌ای از این لفظ، عدل و امامی بودن راوی را نتیجه گرفته‌اند و عده‌ای همان را در دلالت بر معنای اخیر محل تأمل دانسته‌اند.(وحید بهبهانی، 1404ق، ص 18) در دلالت ثقه که به معنای اعتماد است، بر عدالت و وثاقت راویان اتفاق نظر وجود دارد.(کلباسی، 1419ق، ج 2، ص 195) نجاشی و شیخ طوسی نیز این واژه را به معنای عدل و حجت به کار برده‌اند.(الخطیب، 1417ق، ص 115)

1.1. توثیق عام

توثیق راویان از دو روش توثیق عام و خاص صورت می‌گیرد. مراد از توثیق عام آن است که علمای رجال درباره خصوص راوی تصریح نکرده‌اند که او ثقه است، ولی عبارتی را آورده‌اند که به صورت قاعدة عمومی است و این راوی مثلاً یکی از افراد و مصادیق آن قانون و قاعده است.(الخوبی، 1410ق، ج 1، ص 49) مثلاً شیخ طوسی تصریح کرده که مشایخ سه‌گانه، محمد بن ابی عمیر و احمد بن ابی نصر بزنطی و صفوان بن یحیی، از غیر ثقه روایت و ارسال نمی‌کنند(طوسی، 1403ق، ج 1، ص 154) و معناش

آن است که در هر جا ارسال و یا از راوی نقل کرده باشند، دلیل بر توثیق و اعتبار آن روایت است.

از مجموع این عبارت می‌توان گفت توثیق عام توثیقی است که در آن، عنوانی کلی مورد توثیق واقع شود.
بیان نمونه‌ها:

1-1-1. آل ابی شعبه

مهمترین و مشهورترین ایشان عبارت‌اند از: علی و عمر، پسران ابی شعبه و فرزندان آنان، عیبدالله بن علی بن ابی شعبه، عمران بن علی بن ابی شعبه، عبدالاعلی بن علی بن ابی شعبه، محمد بن علی بن ابی شعبه، احمد بن عمر بن ابی شعبه، یحیی بن عمران، بحرالعلوم ذیل آل ابی شعبه آورده است: «خیر شعبه من شعب الشیعة و اوثق بیت

اعتصم بعری اهل البيت المنیعه.» (بحرالعلوم، 1363، ج 1، ص 214)

مستند توثیق: با توجه به قرایین موجود در ترجمة این خاندان به نظر می‌رسد سید بحرالعلوم معتقد به توثیق عام آنان باشد و استناد توثیق ایشان مبنی بر دیدگاه نجاشی است.

نجاشی ذیل بررسی رجالی عیبدالله بن علی بن ابی شعبه چنین آورده است: «... وَآلْ أَبِي شَعْبَةِ الْكُوفَةِ بَيْتُ مَذْكُورٍ مِنْ اصْحَابِنَا وَكَانُوا جَمِيعُهُمْ ثَقَاتًا مَرْجُوعًا إِلَى مَا يَقُولُونَ...». (نجاشی، 1407ق، ص 230) از این عبارت برداشت می‌شود کل خاندان ابی شعبه ثقه‌اند، زیرا این خاندان همان‌طور که گفته شد، دارای افراد زیادی است، در حالی که نجاشی به اسم و عنوان خاصی اشاره نکرد.

پس این توثیق، توثیق عام است، زیرا عنوان کلی در آن مدّ نظر است و البته توثیق آل ابی شعبه که در آن عصر بوده‌اند و تصریح و تأکید نجاشی بر وثاقت همه آن‌ها قرینه‌ای قوی، بلکه دلیل وثاقت می‌تواند شمرده شود. (رحمان ستایش، 1385، ص 146) سایر رجال‌شناسان نیز به توثیق افراد این خاندان اشاره دارند. بر این اساس، می‌توان اطمینان یافت که توثیق عام این خاندان به عنوان قاعده‌ای کلی پذیرفته است. چنان‌که ذیل ترجمة علی بن ابی شعبه او را ثقه معرفی کرده‌اند. (بن داود، 1383، ص 237؛ حلی، 1411ق، ص 103) در ترجمة عیبدالله بن علی بن ابی شعبه نیز آمده است: «... وَكانَ

عبدالله کبیرهم و وجههم.»(حلی، 1411ق، ص112)

آنچه در ابن داود یا علامه حلی درباره برخی فاقدان آل ابی شعبه آورده‌اند، شاهدی دیگر برای توثیق بودن عام این خاندان است؛ عبارتی مانند: «...ثقة لامطعن عليه»(ابن داود، 1383، ص263؛ حلی، 1411ق، ص125) و همین عبارت نیز ذیل ترجمه عبدالاعلی بن علی بن ابی شعبه(ابن داود، 1383، ص220؛ حلی، 1411ق، ص127) و محمد بن علی بن ابی شعبه(ابن داود، 1383، ص324؛ حلی، 1411ق، ص143) از این نمونه‌ها به شمار می‌آید.

در بحث رجالی، احمد بن عمر بن ابی شعبه ذکر شده است: «ثقة ممدوح». (ابن داود، 1383، ص35) و از یحیی بن عمران نیز در منابع رجالی با عبارت «ثقة، صحيح الحديث» یاد شده است. (حلی، 1411ق، ص182) گرچه ذیل ترجمة عمر بن ابی شعبه در منابع رجالی توصیفی ذکر نشده است و تنها در الرجال شیخ طوسی (ص253) و در رجال برقی (1383، ص36) به ذکر نام او او اکتفا شده است، آنچه را نجاشی ذیل ترجمة عبد الله بن ابی شعبه آورده، ذیل بر توثیق اوست.

علامه بحرالعلوم در نهایت با تعبیر «دلالة کلام النجاشی علی توثيق الجميع.»(ج1، ص220) دیدگاه خویش مبنی بر توثیق تمام خاندان را بیان می‌کنند.

2-1-2. آل ابی الجعد

از دیگر خاندان‌های علمی کوفه، خاندان ابی الجعد رافع الغطانی الشجاعی است که سالم و عبیده و زیاد فرزندان او و از اصحاب امیر المؤمنین علیهم السلام می‌باشند. بنا بر مباحث رجالی مطرح شده ذیل این خاندان روایی به نظر می‌رسد سید بحرالعلوم ادعای توثیق عام را مطرح کرد و استناد ایشان بر کلام نجاشی است.

مستند توثیق عام:

نجاشی ذیل ترجمة رافع بن سلمه چنین آورده است: «رافع بن سلمة بن زياد بن ابی الجعد الشجاعی، مولاهم، کوفی، روی عن ابی جعفر و ابی عبدالله علیهم السلام، ثقة من بيت الثقات و عيونهم.»(نجاشی، 1407ق، ص169)

ظاهر کلام نجاشی توثیق این خاندان را شامل می‌شود، زیرا به نظر می‌رسد تعبیر «بیت الثقات یا بیت ثقات» عبارتی توصیفی برای بیت ابی الجعد باشد؛ به عبارت دیگر،

«رافع بن سلمة» ثقه است، زیرا مربوط به خاندانی ثقه است. در این صورت، عنوان کلی خاندان ابیالجعد موضوع توثیق است.

علامه بحرالعلوم نیز با بیان اینکه: «ظاهر کلامه - رحمة الله - توثيق اهل هذا البيت جمیعاً و لا أقل من دلالته على وثاقة الاعیان والمعروفين منهم.» (بحرالعلوم، 1363، ج 1، ص 270) بر توثیق عام آل ابیالجعد تأکید و تصریح دارد.

3-1-1. آل ابی رافع

آل ابی رافع از برجسته‌ترین خاندان‌های شیعه است. بزرگ این خاندان، ابو رافع است. از دیگر افراد این خاندان که در منابع رجالی از آنان نام برده شده، عبارت است از: علی و عبیدالله فرزندان ابو رافع، عون و محمد پسران عبیدالله و نیز عبیدالله (عبیدالله) بن علی بن ابی رافع.

سید بحرالعلوم ذیل ترجمه این خاندان می‌آورد: «آل ابو رافع من ارفع بیوت الشیعه و أعلاها شاناً وأقدمها إسلاماً وإيماناً.» (همان، ج 1، ص 203) نکته مهم ذیل این ترجمه آن است که استناد علامه بحرالعلوم در توثیق عام آنان مبنی بر چه نکته‌ای است؟ مرحوم بحرالعلوم ذیل ترجمه این خاندان بیش از هر رجالی دیگری از دیدگاه نجاشی استفاده کرده است. به نظر می‌رسد به گونه‌ای نجاشی را ذیل این بررسی اصل قرار داد. اما نکته درخور توجه، ذیل این ترجمه آن است که در آن مطلبی که به توثیق عام این خاندان به طور واضح تصریح داشته باشد، وجود ندارد. بدین ترتیب، این امکان وجود دارد که توثیق عام این بیت به توثیق یکایک افراد این خاندان برگردد، زیرا صاحب الفوائد الرجالیه به نقل از نجاشی از آنان با عباراتی مانند ثقه از سلف صالح، متقدمان در اسلام، از کاتبان و راویان امام علی علیه السلام یاد می‌کند (همانجا) و نیز در ترجمه آنان نکته‌ای که ذم را در بر داشته باشد، وجود ندارد.

2-1. توثیق خاص

توثیق خاص به عنوان یکی از روش‌های بررسی راویان، عبارت است از توثیقی که درباره شخص خاصی وارد شده است. (ربانی، 1382، ص 160) به عبارت دیگر، هرگاه راوی با اسم و عنوان خاصی توثیق شود، به آن توثیق خاص می‌گویند.

گاهی در توثیق خاص دیده می‌شود جمعی از راویان بیش از یک نفر با اسمی و

عناوین مشخص توثیق می‌شوند؛ بنابراین، می‌توان گفت به وثاقت افراد معین و مشخص حکم شده است، خواه مربوط به یک نفر باشد، خواه افراد متعدد را شامل شود. توثیق خاص از طریق تنصیص یکی از معصومان ﷺ تنصیص یکی از اعلام متقدم یا متأخر صورت می‌گیرد.

در این بخش از مقاله، سعی بر آن است تا نسبت کار سید بحرالعلوم با بیوتابت‌نویسی از جهت توثیق خاص روشن شود. به عبارت دیگر، بررسی شود که صاحب الفوائد الرجالیه با کنار هم قرار دادن این بیوتابت، چه تعداد توثیق خاص را شکل داده است. بیان نمونه‌ها:

1-2-1. آل ابی صفیه

به نظر می‌رسد از جمله خاندان‌های دارای توثیق خاص، آل ابی صفیه است که «ابو حمزه ثمالی، ثابت بن دینار» بزرگ خاندان و «محمد» و «علی» و «حسین» پسران وی می‌باشند.

سید بحرالعلوم ذیل ترجمه این بیت رجایی آورده است: «أبو حمزة ثمالی ثابت بن دینار و أبناءه: محمد و علی والحسین ثقات جمیعاً». (بحرالعلوم، 1363، ج 1، ص 258) از ظاهر این تعبیر، توثیق خاص به دست می‌آید، زیرا در آن به توثیق افراد خاص و معین اشاره شده است.

به نظر می‌رسد دیدگاه سید بحرالعلوم مبنی بر کلام کشی باشد که ذیل این خاندان گوید: «سأله أبا الحسين حمدوية بن نصیر عن علی بن أبی حمزة الشماںی والحسین بن أبی حمزة و محمد أخویه و أبیه؟ فقال: كلهم ثقات فاضلؤن». (الکشی، 1348، ص 406) عبارت «كلهم ثقات» در بردارنده عنوان کلی توثیق نیست، بلکه فقط اشاره به افراد مذکور در سند دارد؛ بنابراین روشن است که توثیق خاص می‌باشد.

1-2-2. آل ابی اراکه

خاندان «میمون الکندي» است و «بسیر» و «شجرة» فرزندان «اسحاق بن بشیر»، «علی بن شجرة» و «حسن بن شجرة» نیز از این خاندان هستند که در شمار توثیقات خاص به شمار می‌روند.

بحرالعلوم ذیل ترجمه این خاندان آورده است: «... و كان ابنا میمون الکندي: بشیر

و شجرة و أبناؤهما: إسحاق بن بشير و على بن شجرة والحسن بن شجرة من بيوت الشيعة و ممن روی عن الائمه ع في الثقات.»(بحرالعلوم، 1361، ج 1، ص 264)

با توجه به تعبیر «في الثقات» در کلام بحرالعلوم شاید بتوان نتیجه گرفت توثیق شامل حال برخی از افراد خاندان است و مستند کلام سید بر کلام نجاشی استوار باشد. نجاشی ذیل شرح حال علی بن شجرة آورده است: «علی بن شجرة بن میمون بن أبي أراکة النبال- مولیٰ کندة- روی ابوه عن ابی جعفر و ابی عبدالله ع. و اخوه الحسن بن شجرة روی... و كلهم ثقة.»(نجاشی، 1407ق، ص 275)

نجاشی با تعبیر «کله مثقة» به توثیق پدر و برادر، علی بن شجره پرداخته و این همان توثیق خاص است که فرد یا افراد معینی با عنوانین مشخص مورد توثیق قرار می‌گیرند و به نظر می‌رسد دیدگاه صاحب الفوائد الرجالیه بر آن مبنی است.

3-2-1. بنویسار

ابوالقاسم الفضیل بن یسار النهدی بزرگ این خاندان است و فرزندان او العلا و قاسم و محمد بن قاسم هستند. سید بحرالعلوم برای آنان عبارت «ثقات جمیعاً» را به کار می‌برد.

به نظر می‌رسد در توثیق خاص این خاندان نیز استناد علامه بحرالعلوم بر کلام نجاشی باشد، زیرا ذیل ترجمه محمد بن القاسم بن فضیل آورده است: «...ثقة هو و أبوه، عممه العلا وجده الفضیل.»(همان، ص 362) در اینجا نیز استناد سید به کلام نجاشی می‌باشد که در آن به وثاقت افراد خاص و مشخص حکم شده است.

علاوه بر این خاندان، صاحب الفوائد الرجالیه به ذکر دیگر خاندان‌های روایی پرداخته است که با توجیه مانند خاندان بنویسار در شمار توثیق خاص قرار می‌گیرند؛ از جمله: بنو إلياس (بحرالعلوم، ج 1، ص 329)، بنو عبدربه (همان، ص 352)، بنو میمونه (همان، ص 361)، بنو سوقه (همان، ص 361)، بنو ریاط (همان، ص 378)، بنو عطیه (همان، ص 376)، بنو هیشم (همان، ص 383)، بنو موسی (همان، ص 47)، بنو سابور (همان، ص 367)، بنو عمارالعجلی (همان، ص 390)، بنو حکیم (همان، ص 399) در زمرة توثیق خاص می‌باشند، زیرا روایان در این بیوتات با اسم و عنوان خاصی توثیق شدند. نکته شایان ذکر آن است که علامه بحرالعلوم ذیل شرح حال برخی از این بیوتات

که در زمرة توثيق خاص‌اند، بدون ذكر دیدگاه رجالی خویش، به بیان آرای متقدمان رجالی به خصوص نجاشی اكتفا می‌کند؛ از جمله ذیل ترجمه بنو الحر الجعفی چنین آورده است:

«...أَدِيمْ وَأَيُّوبْ وَزَكْرِيَا مِنْ أَصْحَابِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ الْكَفَافُ وَذَكْرِهِمُ النَّجَاشِيُّ لِهُ وَاثْبَتْ لِأَدِيمْ وَأَيُّوبْ أَصْلًا وَوَثَقْهُمَا وَلِزَكْرِيَا كِتَابًا...» (بحرالعلوم، ج ۱، ص ۳۲۳)
مانند آن: از بنو ابی سیرة (همان، ص ۳۶۴)، بنو نعیم (همان، ص ۳۷۴)، بنو فرقان (همان، ص ۳۸۲)، بنو دراج (همان، ص ۳۸۳) نام برده.

بررسی این بیوتات رجالی توثيق خاص را آشکار می‌کند، زیرا در شرح حال آنان به وثاقت افراد خاص و مشخص حکم شده است. شاید بتوان عدم ذکر دیدگاه از سوی مرحوم بحرالعلوم و سکوت ایشان را تأیید آرای رجالیان پیشین ذیل این خاندان‌های روایی دانست؛ و نیز شاید این امر دال بر واگذار کردن آن به متقدمان باشد.

3-1. مدح

در اصطلاح علمای رجال، مدح راوی در مرتبه پایین‌تر از توثيق قرار دارد. (ربانی، ۱۳۸۲، ص ۱۶۸) مدح راوی به معنای تمجید صفات پسندیده راوی و موضوعی متفاوت با توثيق اوست و الفاظ خاص خود را دارد. (قاسمپور، ۱۳۸۹، ص ۱۹۹)
بنابر آنچه در تعاریف آمده، در این بخش سعی بر آن است به بررسی آن تعداد از خاندان‌هایی پرداخته شود که علامه بحرالعلوم از این جهت به ارتباط بیوتات‌نویسی با علم رجال پرداخته است.

1-3-1. آل اعین

از بزرگان شیعه و از روایان احادیث ائمه علیهم السلام می‌باشند. سید بحرالعلوم ذیل این خاندان آورده است: «أَكْبَرُ بَيْتٍ فِي الْكُوفَةِ، مِنْ شِيعَةِ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِ الْكَفَافُ وَأَعْظَمُهُمْ شَأْنًا وَأَكْثَرُهُمْ رِجَالًا وَأَعْيَانًا وَأَطْوَلُهُمْ مَدْةً وَزَمَانًا. أَدْرَاكُ أَوَّلَهُمْ السَّجَادُ وَالْبَاقِرُ وَالصَّادِقُ عَلَيْهِ الْكَفَافُ وَبَقِيَ أَوَّلَهُمْ إِلَى أَوَّلِ الْغَيْبَةِ الْكَبْرِيِّ وَكَانَ فِيهِمُ الْعُلَمَاءُ وَالْفَقِيهَاءُ وَالْقُرَاءُ وَالْأَدْبَاءُ وَرَوَاةُ الْحَدِيثِ» (بحرالعلوم، ج ۱، ص ۲۲۲)

ذیل ترجمه این خاندان، قرائی دال بر توثيق عام این خاندان وجود دارد که علامه بحرالعلوم در بررسی این بیت رجالی به آنان استناد کرده است.

مستند مدح عام:

ابوغالب گوید: «أَنَا أَهْلُ بَيْتِ اكْرَمَنَا اللَّهُ جَلَّ وَعَزَ بِدِينِهِ وَ اخْتَصَنَا أَوْلَيَاءِ مَا نَشَانَ إِلَى
وقت الفتنة التي امتحنت بها شيعة و آل اعين اكبريت في الشيعة و اکثرهم حدیثا و
فقها، ذلك موجود في كتب الحديث و معروف عند رواته.» (زاری کوفی، 1411ق،
ص 113 و 114)

1. تعبیرات ابوغالب درباره آل اعين دربردارنده مدح عام برای این بیت روایی است، زیرا در آن فرد یا افراد خاصی مذکور نیست، بلکه عنوان کلی آل اعين است که
مدح بر آن تعلق می‌گیرد.

از آن جمله عبارت «اختصنا اولیاء» است که برخی از رجالیون مصاحب و همراه
بودن با امام را از الفاظ مدح بلکه وثاقت دانسته‌اند. (amacani، 1411ق، ج 2، ص 253؛
تستری، 1410ق، ج 1، ص 68) این مصاحب و همراهی شامل تمام خاندان است،
همان‌طور که بحرالعلوم نیز در ابتدای ترجمه این بیت اشاره دارد.

2. به نظر می‌رسد علامه بحرالعلوم در پایان بررسی با این عبارت که «مدائح آل
اعین - خصوصاً زرارة - كثيرة و قد روی فيه و فيهم - تعالىه - ذموم لهام حامل ذكرها
الاصحاح و دلت عليها الاخبار المعتبرة عنه علیه» (بحرالعلوم، 1363، ج 1، ص 257) بر
مدح عام تأکید دارد.

شایان ذکر است که برخی از رجالیون چون بهبهانی بودن راوى از آل اعين را نشانه
وثاقت دانسته است. (وحید بهبهانی، 1404ق، ج 1، ص 316) دلیل قطعی بر توثیق عام
آنان نیست، زیرا قرائن حاکی از مدح آنان است.

2-3-1. آل ابی الجهم

از خاندان قابوس بن نعمان بن منذر خانواده بزرگی در کوفه است که «سعید بن
الجهنم» و فرزندان او «حسین بن سعید»، «منذر بن سعید»، «محمد بن منذر بن سعید» و
«منذر بن محمد بن منذر بن سعید» نیز از همین خاندان هستند.

علامه بحرالعلوم از آنان با عنوان بیت کیر، جلیل بالکوفه یاد می‌کند. (همان، ص 272)
برخی از رجالیون، انتساب شخص را به این خاندان، نشانه وثاقت راوى دانسته‌اند.

(وحیدبههانی، 1404ق، ج 1، ص 216) به نظر می‌رسد بتوان این ادعا را برای سید بحرالعلوم این‌گونه مطرح کرد که ایشان معتقد به مدح عام این خاندان بوده‌اند.

1. مستند علامه مبتنى بر کلام نجاشی است که ذیل ترجمه این بیت روایی ذکر کرده است. نجاشی ذیل ترجمه سعید بن ابی‌الجهنم می‌گوید: «کان سعید ثقة في حدیثه، وجها بالکوفه، آل ابی‌الجهنم بیت کبیر بالکوفه». (نجاشی، 1407ق، ص 179)
2. نیز در شرح حال منذر بن محمد بن منذر آورده است: «ثقة من اصحابنا من بیت جلیل». (همان، ص 418)

تعییرات نجاشی ذیل ترجمه این دو شخص تصريح دارد که این توثیق منحصر به فرد خاص نیست، بلکه شامل آل ابی‌الجهنم است، زیرا الفاظ کبیر و جلیل توصیفی برای بیت ابی‌الجهنم است نه فرد خاصی. اینکه برخی از رجالیون چون بههانی بودن را اوی از آل ابی‌الجهنم را نشانه و ثابت دانسته‌اند. (وحیدبههانی، 1404ق، ج 1، ص 316) به گونه‌ای قواعد عامه توثیق را در این خاندان مطرح کردند، ولی دلیل و نشانه قطعی بر توثیق نیست.

به نظر می‌رسد قرار دادن این بیت روایی در میان مدح عام بهتر باشد، زیرا الفاظی چون کبیر و جلیل بنا بر نظر رجالیون اشاره به مدح دارد؛ گرچه در خود توثیق را نیز به همراه دارد. صاحب درایه الحدیث می‌گوید: «لفظ جلیل همانند واژه مشکور، مدح را اوی است و به حد توثیق نمی‌رسد». (مدیرشانه‌چی، 1362، ص 113)

نیز گفته شده لفظی است که مفید مدح بوده و باعث اعتماد بر را اوی می‌گردد، گرچه در حد توثیق نیست. (شهیدثانی، 1413ق، ص 207) میرداماد نیز آن را از الفاظ مدح و توثیق می‌داند. (میرداماد، 1412ق، ص 60)

علامه بحرالعلوم ذیل ترجمه حسن بن نصر و محمد بن علی و حسن بن محمد در بخشی از بررسی بیت مذکور می‌گوید: «لم يظهر كونه من آل ابی‌الجهنم، ليعمهم المدح الوارد فيهم». (بحرالعلوم، 1363، ج 1، ص 275) به نظر می‌رسد این نیز قرینه دیگر بر مدح این خاندان از دیدگاه سید بحرالعلوم باشد.

در میان بیوتات رجالی که سید بحرالعلوم ذکر کرده، آل نعیم الازدی نیز دارای همین شرایط برای مدح عام است. (همان، ص 283) نجاشی ذیل ترجمه دو نفر از افراد

این خاندان تعییراتی به کار می‌برد که حاکی از مدح عام این خاندان است.
ذیل ترجمهٔ بکر بن محمد بن عبدالرحمٰن بن نعیم آورده است: «...وجه هذله
الطايفة من بيت جليل بالكوفة من آل نعيم الغامديين.» (نجاشی، 1407ق، ص 108)
ذیل شرح حال جعفر بن مثنی: «ثقة من وجوه أصحابنا الكوفيين ومن بيت آل
نعمیم...» (همان، ص 121)

3-3-1. آل ابی سارة

«حسن بن ابی سارة» و برادرش «مسلم» و فرزندش «محمد بن حسن» و برادرزادگانش
«عمرو بن مسلم» و «معاذ بن مسلم» و «حسین بن معاذ» از این خاندان هستند.
به نظر می‌رسد درباره این خاندان نیز ادعای مدح مطرح است و مستند سید
بحرالعلوم بار دیگر بر کلام نجاشی می‌باشد.

مستند مدح:

نجاشی ذیل شرح حال محمد بن حسن چنین آورده است: «محمد بن الحسن بن
ابی سارة أبو جعفر، مولی الاصناری عرف بـ "الرواسی" اصله کوفی و ابن عم محمد بن
الحسن: معاذ بن مسلم بن ابی سارة و هم اهل بیت فضل و أدب...» (همان، ص 324)
در ترجمهٔ ذیل تعییر «هم اهل بیت فضل و أدب» بر مدح تأکید دارد. در ظاهر این
عبارت در تمجید سه نفر از افراد مذکور- محمد بن حسن، حسن بن ابی سارة پدرش،
و معاذ بن مسلم- در کلام نجاشی است؛ و شامل حال دیگر افراد این خاندان نیست.
اما به نظر می‌رسد این عبارت یک مفهوم توصیفی در خود داشته باشد، یعنی اینکه
«أهل بیت فضل و أدب» توصیفی برای بیت ابی سارة باشد. در این صورت، کل خاندان
ابی سارة شامل این تمجید می‌شوند.

سید بحرالعلوم می‌گوید: «العموم فى الاول يستفاد من كون البيت فضل و أدب، و
إن كان أخبارا عن معين كما يطيقه ظاهر كلام و اذ علمت ظهور العبارة الاولى فى مدح
بيت ابی سارة- مطلقا- بالفضل والادب، تبین الحسن فى مسلم، و ابنه عمرو و ابنه
الحسين.» (بحرالعلوم، 1363، ج 1، ص 282)

4-3-1. آل حیان

از بزرگترین خاندان‌های شیعه در کوفه، آل حیان تغلبی است که اسحاق بن عمار

و برادرانش اسماعیل، قیس، یوسف و یونس و فرزندانش محمد، یعقوب، بشیر بن اسحاق، علی بن اسحاق، عبدالرحمن بن بشیر بن اسماعیل، محمد بن یعقوب بن اسحاق و علی بن محمد بن یعقوب از آنان هستند.

سید بحرالعلوم ذیل ترجمة این خاندان می‌گوید: «آل حیان تغلبی مولی بنی تغلب، بیت کبیر فی الشیعه، کوفیون، صیارفة، معروفون بهذه الصنعة وبالنسبة الى تغلب» (بحرالعلوم، ج 1، 1363، ص 290)

علامه بحرالعلوم مدح عام این خاندان را بر کلام نجاشی استناد می‌دهد، نجاشی ذیل بررسی اسحاق بن عمار می‌گوید: «اسحاق بن عمار بن حیان مولی بنی تغلب أبویعقوب الصیرفی، شیخ من اصحابنا ثقة. و اخوه: یونس و یوسف و قیس و اسماعیل و هو فی بیت کبیر من الشیعه.» (همان، ص 300)

به نظر می‌رسد مدح عام این خاندان از عبارت «هو فی بیت کبیر من الشیعه» دانسته شود، زیرا اولاً این عبارت در خود توصیف «خاندان حیان» را دارد؛ به عبارت دیگر، بیان می‌کند آل حیان از بیت کبیر شیعه است و این خود نوعی تمجید و مدح برای کل افراد آن است که از شیعیان می‌باشند. از سویی دیگر، سید بحرالعلوم گوید از این عبارت «استقامة جمیع أهل هذا الیت فی المذهب» مدح استفاده می‌شود. (همان، ج 1، ص 300) به نظر می‌رسد این دیدگاه سید بحرالعلوم به شیعه بودن این خاندان برمی‌گردد، چراکه ایشان این تعبیر را از الفاظ مدح متعلق به مذهب می‌داند. (همانجا)

5-3-1. بنو خالد البرقی

خاندان برقی را می‌توان از علمی‌ترین خاندان‌های شیعه نام برد. افراد این خاندان عبارت است از: خالد بن عبدالرحمن بن محمد بن علی، ابوعبدالله محمد بن خالد و برادرانش ابوعلی الحسن «الحسین» و ابوالقاسم الفضل و پسرش ابوجعفر احمد محمد بن خالد «احمد بن أبي عبدالله»، پسر پسر احمد بن عبدالله بن عبد الله بن احمد بن محمد بن خالد برقی و پسر پسر برادرش علی بن العلا بن الفضل بن خالد.

سید بحرالعلوم ذیل این خاندان می‌آورد: «هم أهل بیت علم و فقه و حدیث و أدب.» (بحرالعلوم، ج 1، 1363، ص 331)

این عبارات آشکارا می‌رساند خاندان برقی دارای مدح عام هستند، زیرا علامه از

آنان به عنوان اهل بیت علم ادب نام برده و این توصیف را به کل این خاندان نسبت داده است.

درباره خاندان برقی، چند نکته در خور توجه است:

1. بررسی کل افراد این خاندان در منابع رجالی روشن می‌کند که این خاندان شامل فقهاء و علمای شیعه‌مذهب و از راویان ائمه معصومین علیهم السلام می‌باشند.
2. تأثیر علمی آنان بر حوزه قم بعد از خاندان اشعری نشان از فقاهت و عالم بودن آنان دارد.
3. بررسی رجالی افراد این خاندان روشن می‌کند برخی از افراد این خاندان از ضعفا بوده یا از ضعفا نقل روایت می‌کند؛ چنان‌که ذیل ترجمه محمد بن خالد بن عبدالرحمن محمد بن علی برقی ابو عبدالله آمده است: «کان محمد ضعیفاً فی الحديث حسن المعرفة بالاخبار و علوم العرب...». (خویی، 1413ق، ج 26، ص 65) همچنین ذیل ترجمه احمد بن محمد بن خالد برقی آمده است: «انه کان ثقة في نفسه، يروى عن الضعفاء واعتمد المراسيل وصنف كتاباً كثيرة». (نگاشی، 1407ق، ص 71/ طوسی، بی‌تا، ص 51/ ابن داود، 1383، ص 40)

به نظر می‌رسد علامه بحرالعلوم با تکیه بر دو ویژگی بارز این خاندان که در منابع رجالی آمده است، یعنی تشیع و دیگری بهره بردن از علم دانش تصریح به مدح عام آنان کرده است.

نتیجه‌گیری

1. نگارش منابع رجالی از آغاز تاکنون برای شناخت راویان با شیوه‌های متفاوت صورت گرفت؛ چنان‌که در دوره متأخر، تألیفات رجالی بر اساس روش تراجم بیوتات و خاندان‌ها از شیوه‌هایی بوده که محققان رجالی از آن استفاده کرده‌اند. این تألیفات منجر به شکل‌گیری مجموعه منظمی از مهم‌ترین و مؤثرترین خاندان‌های روایی و رجالی شد که در نقل احادیث و گسترش اسلام نقش بسزایی داشته‌اند.
2. کتاب الرجال بحرالعلوم معروف به فوائد الرجالیه از مهم‌ترین کتاب‌های دوره متأخر است. شاخصه اصلی بخش اول این کتاب که به شرح حال نگاری 28 خاندان از

مهم‌ترین خاندان‌های روایی اختصاص دارد، نگارش بر اساس تراجم بیوتات و خاندان‌های روایی است.

3. با بررسی بخش اول از *الفوائد الرجالیه* بحرالعلوم روشن شد که علامه بحرالعلوم مجموعه‌ای از توثیقات عام، خاص و مدح را با ترجمه‌این خاندان‌ها به وجود آورده است.

4. در نهایت، سید بحرالعلوم در حوزه بیوتات با بررسی 28 خاندان از مهم‌ترین خاندان‌های رجالی، در مجموع تعداد سه بیت «10/7 درصد» از خاندان‌ها را در شمار توثیق عام و نوزده بیت «68/85 درصد» را در میان توثیق خاص و برای شش بیت «21/42 درصد» از این خاندان‌ها مدح قائل شده است.

بنابراین اطلاعات ارائه شده بررسی بیوتات از سوی سید بحرالعلوم، از آن توثیق عام یا توثیق خاص و زمانی دیگر مدح به دست می‌آید. نیز مستند علامه بحرالعلوم در ایجاد این ارتباط رجالی غالباً متکی بر دیدگاه نجاشی است؛ چنان‌که از میان 28 بیت روایی تعداد بیست بیت روایی را «71 درصد» مستند به اقوال نجاشی است.



منابع

1. قرآن کریم.

2. ابن داود حلی، تقی‌الدین حسن بن علی؛ رجال ابن داود؛ تهران: دانشگاه تهران، 1383.

3. الاصفهانی، الامام راغب؛ المفردات فی الفاظ القرآن؛ تحقیق صفوان عدنان داؤدی، الطبعة الثانية، بی‌جا: طبیعت النور، 1427ق.

4. الایروانی، باقر؛ دروس تمہیدیه فی القواعد الرجالیه؛ حبیب، 1417ق.

5. بحرالعلوم الطباطبائی، محمد Mehdi؛ الرجال (معروف به الفوائد الرجالیه)؛ الطبعة الاولی، تهران: مکتبة الصادق، 1363.

6. البرقی، احمد بن محمد بن خالد بن عبدالرحمن بن محمد بن علی؛ الرجال البرقی؛ تهران: دانشگاه تهران، 1383.
7. تستری، محمد تقی؛ قاموس الرجال؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامی، 1410ق.
8. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله؛ کشف الظنون عن اسامی الكتب والفنون؛ تهران: مکتبة الاسلامیة مکتبة الجعفری، 1387ق.
9. حسینی جلالی، محمدرضا؛ المنهج الرجالی والعمل الرائی فی الموسوعة الرجالیة؛ الطبعة الاولی، قم: مرکز الابحاث والدراسات الاسلامیة الحوزة العلمیة، 1418ق.
10. حلی، حسن بن یوسف بن علی بن مطهر؛ رجال العلامه حلی؛ قم: دار الذخائر، 1411ق.
11. خطیب، محمد عجاج؛ اصول الحدیث، علومه و مصطلحه؛ بیروت: دار الفکر، 1417ق.
12. خویی، ابو القاسم؛ معجم الرجال الحدیث؛ قم: مرکز نشر آثار شیعه، 1410ق.
13. _____؛ _____؛ مکتبة الشامله، 1413ق / 1992م.
14. دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه، چ 2، تهران: دانشگاه تهران، 1373.
15. ربانی، محمد حسن؛ دانش الرجال الحدیث؛ چ 1، مشهد: آستان قدس رضوی و بهنشر، 1382.
16. رحمان ستایش، محمد کاظم؛ آشنایی با کتب رجالی شیعه؛ تهران: سمت، دانشکده علوم حدیث، 1385.
17. زراری کوفی، ابو غالب؛ رسائل أبو غالب الزراری؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی (مکتبة الشامله)، 1411ق.
18. السند، محمد؛ بحوث فی مبانی علم الرجال؛ به قلم محمد صالح التبریزی، الطبعة الاولی، قم: مدنی، 1426ق.

19. شهید ثانی، زین الدین بن علی بن احمد؛ الرعایة فی علم الدرایة؛ تحقیق محمد علی بقال، قم: کتابخانه آیت الله نجفی مرعشی، 1413ق.
20. طبرسی، امین اسلام أبی علی المفضل بن الحسن؛ مجمع البیان المجمع العالمی، لاهل الیت، (مکتبة الشاملہ)؛ بی تا.
21. طوسی، محمد بن حسن؛ الفهرست؛ نجف: مکتبة المرتضویه، بی تا.
22. _____؛ رجال شیخ الطوسی؛ نجف: حیدریه، 1381.
23. _____؛ العدة فی اصول الفقه؛ قم: مؤسسه آل الیت، 1403.
24. قاسم پور، محسن و حسین ستار؛ فرهنگ اطلاعات الدرایة الحدیث و رجال؛ تهران: هستی نما، 1389.
25. کشی، محمد بن عمر؛ الرجال الکشی؛ مشهد: دانشگاه مشهد، 1348ق.
26. کلباسی، ابوالهدی؛ سماء المقال فی علم الرجال؛ تحقیق سید محمد حسینی قزوینی، قم: مؤسسه ولی عصر، 1419ق.
27. مامقانی، عبدالله بن محمد حسن؛ مقباس الهدایة؛ تحقیق محمدرضا مامقانی، چ 1، قم: آل الیت، 1411ق.
28. مدیر شانه چی، کاظم؛ علم الحدیث والدرایة الحدیث؛ قم: چاپ جامعه مدرسین، حوزه علمیه قم، 1362.
29. بندر ریگی، محمد و دیگران؛ معجم الوسيط؛ تهران: اسلامی، 1382.
30. میرداماد، محمد باقر بن محمد؛ الرواشح السماویه؛ تحقیق غلامحسین قیصریه ها، قم: الدار الحدیث، 1412ق.
31. نجاشی، احمد بن علی؛ الرجال النجاشی؛ قم: جامعه مدرسین، 1407.
32. نجفی، محمد حسن؛ جواهر الكلام فی شرائع الاسلام؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، 1398ق.

200 □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال پنجم، شماره دهم، پاییز و زمستان 1392

33. وحید بهبهانی، محمد باقر؛ *الفوائد الرجالیه* (چاپ شده در خاتمه رجال البرقی)، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، 1404 ق.
34. _____؛ *فوائد الورحید*؛ تحقیق محمد صادق بحرالعلوم، قم: بی‌نا، 1404 ق.